

همین سال سیسیه که موضوع بحث سیسیون منسب است همانا
 پانیا دولت تازه در سیسیه که از درباری است تاکنون این ملک نیست
 و متاخر است پیدا کرده چه تاکنون میدان کار در سیسیه
 شده است آری نه شده حرف هر یک که گفتن و بگریخته است تا به نیکو
 بدست آورده است تا از وی سلسله جاری از کجا که سیسیه که در وقت سیسیه
 سیسیه پیش سیسیه شده که کرده است که سیسیه شرح قطع تا از دولت تازه کند
 در در ظاهر این ملک است دولت تازه در حرکت نگاه داشتن فرموده که
 در وقت سیسیه که در زمان تامل تا دولت سیسیه ام خا کرده که این این خاکستری
 در سیسیه تمام دولت که در سیسیه و خا لا سیسیه در جنگ می دولت نیکو که
 پیشین کوی نموده و در وقت سیسیه که در این جنگ یک عالمی تا به خا کرده
 در در وقت سیسیه تا از وی دولت سیسیه اعتراض نموده این اعتراض مانع
 از این اعتراض باصره است خلاف در این سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 خا کرده در در سیسیه که در جنگ عمومی اید با کرده در دولت نیکو که
 تا سیسیه که در وقت سیسیه که در سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 اگر سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 بجز در زمان است دولت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 دیگر تا از دولت که است که سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 دولت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 راه چیده در در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 انگلیس و سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 و تمام قریب تمامی دولت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 دولت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 شده است در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 هم موقعی که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 کار و در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 در در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 و سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 انگلیس را قضا عظیم محل خط است اگر حقیقت در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 اچنانچه مشهور است تمام در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 امداد دهند فرقی نفس از سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 در سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت

دولت انگلیس تا قاصد سخن باب نه سر و وقت دولت انگلیس که از بار کرده
 اینها بر حساب جبارت است که از تران سیسیه که کاشته شده در در وقت سیسیه
 فریب میداند که این وقت از اینان باور کجا سیسیه عظیم حکم یک می
 در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 لکن امکان نیست و در تمام با امر کار استبول نمایند بعد از آنکه از جبارت
 یکی امداد دولت تازه در تمام دولت تازه در تمام دولت تازه در تمام دولت تازه
 انسانها که کرده است سخن بر این مضمون سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 مهابت نیکو بدولت لیسانا خواهد داد بلکه در در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 بر باد خواهد ولی این وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 سیکه در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 رای که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 ستمه یک بود در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 اسپانیا بود و قاصد سخن میگویند قوت دولت تازه در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 قوت کرد که از راه االی آنجا تنگ کردند و تا سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 قوت آرد که جبارت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 و یک در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 جبهه از فلان کرده از قبضه اسپانیا که از طرف دیگری تمام تمام از
 کیو با در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 اینک و سال کامل است که دولت اسپانیا در جنگ جز است این که در وقت سیسیه که در وقت
 که با شیلو نیست که چندین که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 غرضه و بلای خود رعایا با اینجه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 و تازه میشود این در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 که در اول در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 که دولت اسپانیا را در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 ثبات دولت اسپانیاها تا ابد با اینجه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 حقوق در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 با صفت که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 که تمام در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 جبارت که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت سیسیه که در وقت
 شده است تاکنون معلوم کرده اند که این حق را بجا نمانده

(از غرضه تبدیل وزارت انگلستان)

انبار پس لندن مکتب علی وزارت مالیه دولت انگلستان بعلت بدولت خارجی
 بربخت آورده نقل نموده است که ایند تا یک دولت مکتب علی دولت انگلستان بدولت
 کردار وزارت مالیه بر باد داده و هرگز در آن مکتب علی کامیاب نخواهند شد و برای
 از بهال دانشمند بزرگ انگلستان این مسلمان را که قوت داده و انگلیستها
 در ارضان حکایت مساعلات مشرق و در مشرق مکتب علی دولت انگلستان بدین
 وزارت وارد آمده آنها را داشته است که در هیچ یک از آن مقامات دولت انگلیس
 عفت خود را نترانست نگاهدار این رویه را که وزارت مالیه اختیار نموده است
 غلط محض است از روش غلطی وزارت مالیه تمام دول فرنگ اتحاد حاصل کرده که
 دولت انگلستان همانند است مساعلات مشرق و در مشرق حکایت و اینهم از
 در اساس بری میشد که در درود و هر غرضه که بجز خود کامیاب نگردید
 حساب من مکتب علی نویسد که اگر وزارت مالیه در بود را با اسطاعت میداند
 غلط محض است تمام مکتب علی وزارت مالیه ناراض اند اخباره که در
 دولت انگلستان تنبیه نماید که اگر دولت مشایخه قوت و استحکام خود را از آن است
 اعتبار خود از دست برده اند که دولت انگلستان را وسیع میداند و فریفته ترسیدند
 بستند بجز آنکه از وزارت مالیه است وزارت امور اتین را هم با این نظر
 داشته باشد خبر داری بوشیاری حوصله استقام از یاد او کمی قوت
 بحسدی بری و نزدیک نمودن طرق و تفرع مستورات بیه با جانده که
 میگوید که در مساعلات هندوستان هم آنچه را بجز وزارت مالیه است کار را
 شان قابل فخر نیست هر چه بگوید عنوان اخبار پس ای خلیفتم ظاهر میدار که
 ما قریب تبدیل وزارت در انگلستان خواهد شد اخبار پس این مقامات را این
 بنسبت اخبار پس زبان لغت پشت پناه دولت انگلستان است و داری آن
 قدرت هست که تبدیل وزارت مکتب

(ظلم دولت اسپانیا)

برجیدله اخبارات انگلیسی میسوزیند دولت اسپانیا یکی از شاهای تمدن است
 چون میسایست بلوایان هم مذموب خود را بجهی میکند و ظلم میکند که
 کجاشش در اراکت و منفرد در قرون اسپانیا در خانههای بلوایان است
 زن بر سره از تیغ میگذرانند و زمان را برهنه کرده آنچه لازم باشد است
 جل می آورند این مسزانات را عالاخبارات انگلیسی از او میگوید و حال
 دولت اسپانیا با سالت این گونه ظلم و ستم نماید از دور زندان است
 یعنی دل را پاد سادیان نسیافت یعنی اخبارات فرنگ ای ظلم اسپانیا

نی آورند اگر صد یک ظلم دولت اسپانیا را یکی از دول اعلام برای فریفته

مقاله در بر میگردد خدایه انصاف که
(مقتولین و مجروحین جنگ سرحد)

اخبار رسمی هند میسوزیند که در جنگ سرحد از ۱۲ اکتوبر تا به ختم این جنگ
 و مجروحین قتل شده که در جنگ دویز یک هزار و یکصد و پنجاه نفر بود عملیات جنگ
 پیشه بانی که در سرحد بوده و کشته شده اند خارج از این عدد اند و آنها را کشت

مسند در بود
(اسلمه سرحدیان)

برجیدله نامورین مخصوص دولت انگلستان که در اول بندی مامور در پیش اسلمه
 سرحدیان بوده پرورت کرده اند این اسلمه بی بیاد و غلط محض است که این اسلمه
 اسلمه سرحدیان رسیده است این پرورت رسمی است که حکومت هند فرستاده
 شده مقامات دولت انگلیس من باب غلط اسلمه در غلط فارسی برای انگلیس دولت
 ایران درین باب عملی نموده و در رفتن این امر هم غلط ثابت شده که از
 افغانان اند و اسلمه سرحدیان شده

آنچه من باب اسلمه سرحدیان بنیوت پرور شده است سرحدیان تعداد زیادی
 از تنگهای نامورین دولت انگلیس در سرحد زنده بودند و غالب اسلمه آنها از
 تنگهای شکسته بود که خود نامورین انگلیس را با اسلمه بیگاری فرستاده بود و سرحدی
 آنها را در دست کرده استعمال نموده و از قسم اعلامی تنگ شده بود در این گری
 اهل سرحد مهارت کلی دارند

(حاصل زراعت کهنه مند)

از پرورت شریسته زراعت هند ظاهر شده که اسامال نیست و در سرحدیان
 یک سده (ایک) زمین زراعت کهنه مند بود و حاصل آن شش طبرن
 پانصد شوش هزار دقن که هر سده تن نیست همیشه من و هر من که چهل
 که بر شش دو سده شمال سینه تا با بیست و ششم ماهی یک سده هزار
 تن کهنه مند بود و از کراچی و بسبی و کلکته زراعت بقدر که سال کهنه مند
 بنام بر سرحد و چسالی نیرفت اگر بگوئید شود باز قضا خواهد شد اگر اسامال غده
 بنام بر نیرفت هند باین قدری عرفه المسالی شده تر در حال بر این
 هند عوام است این نامور از این تجارت است اگر حکومت هند شش ماه کهنه مند
 که در انصاف میکند و نامور کمتر از سراج بنامه در آزادای تجارت
 زراعتی و قاده در برهنه خود فعلی نیرفت حکومت کهنه مند قوی که خود عمل کهنه
 و طرف استعددی کرد که فرنگی و کهنه مند بنامه بر این بر سرحدیان کهنه مند

سخنی از اهل الازی مصر معلوم آنکه بانک قری که شش سال پیش در آنجا
 بسوی یکصد هزار لیره تأسیس گردید این بانک استحقاق جزای فوت هم خواهد داشت
 و عند الطلب هر کس فرستد بانک مذکور را در بانک سپرد و مجبور است بکوتاه
 بدل نماید تا مخزن بانک مصر مملکتش نقد بود و حسن کاغذی بنویسد
 مالا غالب معاملات با نقد فرزند بود و میگویند که اهل مصر از استیلا این
 بانک سال رضایت دارند و سلسله چنان این بانک امورین دولت
 انگلیس میباشد

(هنکاک)

آنچه را که دکترای هندی میگویند مرض خمس طاعون از هینکاک هندی
 رسیده سه سال پیش مرض طاعون در هینکاک شیخ یافت و هزاران نفوس را
 پاک کرده و کام هندی خلی کشورش نمود و در طاعون سرایت هندی که آخر از
 بدیشان خارج شد علت اصلی آزادی تجارت بود دولت انگلیس معلوم است
 که تجارت را آزاد دارد و فقط هندی میرکت آزادی تجارت شد طاعون هندی
 که لکه که آن نفوس را شکار کرد از آزادی تجارت است معلوم نیست که این
 آزادی تجارت چه خواهد کرد و شک نیست که آزادی تجارت خوب است
 ولی بشود و آنکه در آزادی تجارت خلل معاملات دیگر وارد نیاید و غالب معاملات
 ملکی دولت انگلیس یک طرف را می بیند سبب آنست که تمام ملت آزادند
 حکومت مانع از گوارا میسویک آنها نمی تواند شد تجار چون قوتشان زیاد بر
 دیگران است آزادی تجارت هم قوتش زیاد بر امور دیگر است باری معلوم
 میشود که مرض طاعون از هینکاک درین مدت با لره خارج شده چنانچه از بدیش
 حکومت هینکاک ظاهری شود سال گذشته (۹۰۹۱) هزار مرض طاعون
 شد از این ابار نسبت بباقی مرض طاعون زیاد است خداوند رحم فرماید
 (قابل ملاحظه است تجارت محترم ایران)

حکومت عثمانی بمصر بمصری من باب فخری که در آنجا طاعون شده و در آنجا
 بانک آمد و حکومت هم داد و بوی نمیداد معارف هم روز بروز بجای می پیش میروند
 با بار شده و کرات با اضافه نماید تا دو سال بعد از آن قرار می حکومت به هر که در
 معارف فوق العاده که بر ملک دارد می شود و این وجهه از وی تحمل شود این تنها
 که کشته از یکم جولانی شروع خواهد شد که کرات با این چارش قرار
 داده اند و هر که سازد و بشاید بجای صدای صدای آید و به هم
 خواهند گرفت

در هر کار اگر ایرانیان سیف قبل و پشت خود را بکنند کارایان همیشه
 مثل سابق در حال غیر منظم خواهد بود خود با هم باید اوصاف کنیم دولت خزانه از خارج
 دارد که بیارند و سریع رعایا نماید لایا باید از رعایا وصول کند در میان ملک
 و حالت است صرف کتبه خرج و دخل دولت ایران با مساد است با خرج بر دخل
 میشد است تقاضات جدیدی که گماشته یا زیاد معارف فوق العاده دارد که
 دولت تقاضات جدید را بکنند از یکطرف مورد شاکت و تفرین دول و ملل خواهد
 میشود از طرف دیگر خود ملت زبان ملین و تشیع ملت با زمینم و اگر دولت بخواهد
 تقاضات را موافق زبان تیمار با اوصاف فوق العاده را از کارگاه دولت
 میزاد از خارج بدست می کند صدای ما و لایا بنده شود که ملک را میزادند بفرمایند
 اگر دولت بخواهد برای ملت مشکلات جزئی بفرماید رعایا بنده بیاد و بطور
 از دستگیر کنیم تکلیف دولت این رعایای با این حیث است که این اصناف ملکی را
 که دولت میخواست قرار دهد که بجز ملکی که میخواستند تصانی قرار دهد که میخواست
 که در چه همان مقدار که حرکت آفریده بود و به تجارت بر قیمت ملکی آفریده سابق بر این که
 روی بر بر در دوران نیم بود و مشی شکر در ایران تیریزی و دوران نیم فروش بیفت
 حال که در تیریزی در آن مقصد می رسید بگره تیران مقصد او شد که در آن مقصد
 بیست است برگره کش میزاید صیحه در لندن که آن تیریزی که میگردانید با صیحه گران
 میفرموده بود که در آن سائر مصارف فکر بال تجارت او شود و هر بر قیمت ملکی سواد آید
 مثلاً گریه و شهر شیراز یک نامه فروری بیخ توان بود و ملا فروری ده توان شده
 تجارت آن بیخ توان گریه زیاد را خود نقصان نمی نماید بر قیمت ملکی آفریده و بیخ
 اگر دولت جزئی خودی بر استند زیاد نماید حال که آن یاد می تصرف ضرورت ملک
 دولت خود آنها سیرت تجار آنچه خصای نیست و عیال او حق اعتراض سابق بر این در لکه
 اید اگر که خود جزئی است ملک پیدا شده که کمر بستگی که بر بر تر و نودن ملکی صیحه
 و بیسی ملاحظه در دست که کما شد از فرزند از صدای این صیحه خبری بر این در یک کتبه
 و وقت از جل دول خارج میستند که رعایای بیخ دولتی مثل اهل ایران آموخته شده
 و بیخ و شاهی رعایا خود در گرفتند و در آن تراشیدند ایران نیست دولت ملکی
 که یکی از دول تمدن بود است شاه رعایا به تر و میستند بانک تجارت هزاران نفر
 ازین توپ که زاید حال نکند دولت ایران رعایای خود از پادشاه ابطال
 بر رعایای خود رای است معنی آنکه از روی پندی هم صورت خدا دادند هزاران
 جسات رعایا چشم پوشی و جلوه ملی انجامید این ذات مهربانی حضرت
 مفسر در شوم خواهد که لطف پدید آید بنده باید که همه خود دانند

ماشرف

اتصال و ارتباط الیاده و سزنده از جنه جناب جلالت آباصل اکرم
آقای سزدار رضاخان ارفع الدوله وزیر مختار دولت طایفه ایران مقیم در
فیخته ریشه اسباب تا شفاطه و تحکیم قلب تاملی دوستان غیر خزانگان
کریده مایه پروردی شخص شخیص سلطنت و رجال دولت علیه ایران کشته
اداره جنس المین همگم کی یکی از غیر خزانگان ایشان می باشد آساف نماینده
همکاری را با جناب محترم علیه دارد از خداوند خدایم که صبر جمیل و اجر جزیل
صیبت علی ایشان عایت رسیده فرمائی که از طرف ترین اشرف دولت علیه
در پروردی ایشان صادر شده بوجه نیست

(سوادفکران جهایونی)

آنجا که تقدیر و تعلق لولا که نه هر ایشمال حال پاکران کامل دولت خواه
مامل با اشتباه است که در هر موقعی با تقضای وقت بنده ظهور می نماید این
که وقت پدر پسر جناب جلالت امیر الامراء العظام میرزا رضاخان ارفع الدوله وزیر
مختار و پهلوی مخصوص این دولت علیه مقیم در بار دولت فیخته ریشه که آنجا کاران کافی
غیرتند است بعضی ضرورتها را هم ظهور داده استس جهایونی اعلی رسید لهذا شخص
سند و نه مقام تلیت برآید و در وقت رسیدن میفرماییم که این قفینه را از حواش
تسالی تقضای قفینه حضرت بهمانی دانسته مصابرت رضا را پیش نهاده
بخواست خدا را رضی و شاکر باشد تا بخرای الدین اذ الصابتم صیبه قالا الله و
الیه راجعون اولک علیهم صلوات من بهم رحمة و اولک هم الهدون و اولک
برای و با منسلک کرده به شبات افزونی نایل شده نظرسنایت لولا که نه در کف
و غم مشا را لیدر یک شب بالودی تر شمشیر وضع که از طایع بسیار فاحر است
سند مودیم بظهور این رحمت که در حقیقتش افزودیم که ضلع لباس تمام نموده
تسیرین سرت شاد و مال گردیده و چه ده شناسند

(شکرانه)

جناب جلالت آباصل اکرم آقای سزدار رضاخان ارفع الدوله و بشکرانه
حقیق خود در مدد و فتنه ان اطلای غلظت کران بها مجلس جهانی بسیار باشکوه
منقده فرموده اخبارات روسی شرح آن مجلس نوشته اند ما به ترجمه بعضی
از آن جنایات گفتا می نم
ترجمه آن روزنامه سن بطریق ۶ ماه و ۲۲
۱۸۹۸ ایس مطابق ۲۳ شهریور سنه ۱۳۱۶

میسزدار رضاخان ارفع الدوله را با مقاربتی که سعادت فرستنی
بعضا ظاهر لولا که است بین الاماثل و الاقصدان مخفود که فرموده اند
حلقه هایونی جهات است از یک شب بالودی تر شمشیر وضع که از طایع فاحر
در ای رجال ایران از اقاربات خلی مسترید قبا موسو سچتدو شمشیرت
امیر الطوری سارده فرستایق روسی تمم ملکن که این اوقات بطریق
کرده است از راه دور طی مامل این طلعت بود

ترجمه آن روزنامه نوبتی مورخه یازدهم
۱۸۹۸ مطابق مطابق سلخ شوال سنه
بقیه تفصیل جهالی سفارت ایران

این جهانی بزرگ باشکوهی که بشکرانه وصول غلظت کران قیمت جهایونی از
ایحضرت پادشاه ایران با مقام جناب ارفع الدوله میرزا رضاخان وزیر
در ای مخصوص دولت مشارالیها و مناسبت عید نوروز سلطانی در سفارت
مقیم در بار امیر الطوری تشکیل یافته بود ساعت ده شب بقده شد و کماعت
شب نازده عمارت سفارتی از همان وقت معتبرین فاواوه های بطریق
میسزبان جهانبان باب اول سفارت میرزا رضاخان قنار السلطه دارین را
استقبال میگردد برای اشخاصیک شام بی دعوت شده بود اشخاص معتبره
در جسد که در جهانبان سفارتی منسلک و حضور
میسر طویف کاتر فرزند جناب وزیر زراعت و خالصات پرس منکلوف
وزیر طرق و شوارع میو ششکن اجنه ای دارالتورای کبری او خورش
جناب میغز کیر و دو لته امیریکای شالی بازن و دخترش جناب میغز کیر طایا
پرس ایلیان جناب وزیر مختار صربستان جناب وزیر مختار
زن وزیر مختار پورتوغال با دامادها سن با دخترش جناب میغز کیر
جناب من وال با دخترش جناب اراپوف جناب وزیر مختار بلژیک
جناب وزیر مختار دانمارک کراف اول حاکم بطریق مامور سیاسی بلژیک
امور دولت ایران بازش میو تمس اجزای شورای وزارت خارجه
لاوایل طراسن) و میو (کوپر) ادست ای تیا تر که
(میش) با او با نزل (دشالست) که در سن خود و سالی در بیاد
زودن میسود است مشغول یا تار و دان و پیا فو زون بودند و می گفت
که این مجلس جشن جنلی بطیوره و از جهت مستحق انقاد نیم ساعت
از نصف شب گذشته همان اطلاق تها روزی که میزای مجلس از انواع
و شادمانی بود و شام شب خاتمه میسودت شادمانی بود و یکی از

این روزنامه در روزنامه سن بطریق ۶ ماه و ۲۲
۱۸۹۸ ایس مطابق ۲۳ شهریور سنه ۱۳۱۶

مقاله مخصوص در ترقی مدنی
بقایای از نمره بیست و نهم

ایران سرسبز شاد و با عالم و مامل و فیلسوف میساید از شاه دست
که بر خلاف واقع برای اصف بزمیانه
ایرانی آقایی کن تیر شود کن خلاف واقع عرض نمیکند هرگز چشم
از اصف نپوشیده نمی پوشم اگر آذون میفرمایند توضیح نایم و وجدان
خوش ما حکیم باشد
ایرانی اگر از روی عقابت بیان واقع میزی خواهیم فرمود و بفرمایند
با که بر خلاف عادت و مقام قدم و قدح خواهیم برآمد تا همین در بگانی
که نای سخن اولی است
اروپائی اگر ما ذوق نماندیم شما بدهیانت اضع و ثابت میایم کن
با من است
ایرانی در صورتیکه حال تگوار با هر ذی شعور مجبور از قبول رسوای
اروپائی شارب آلتان قسم میدهم برای شرب خیر قانون شرب
و چه گوید اشخاص شرب خیر نمایند
ایرانی جسای شارب سبب از ثبوت است و آری از است از کبرلیقه
مردم این عمل نادر است در میان
اروپائی اینکار در پرده است یا واضح و آشکار
ایرانی کعبه را با اگر رنگ این شرب نماند در پرده و غنیت ملی و دیوان
دال نظام اشخاص با طیف روی خجسته آشکارا شرب میکنند
اروپائی اصف نماند میوه و بدقت با شرب و آید خدا شارب شارب نماید در
و غنق حکام شرع خوف حدود شرع را چگونه جاری نمایند
ایرانی ارباب مناصب نامورین و عساکر را کسی نیست که شرب شارب
زخنی از حساب آرد و نه ترسی از شرع و برخی مردمان سرسری هم که در کیش
تا کعبه میکنند و متعرض کسی نشوند تا آن هم کسی کاری ندارد و اگر از زمین
تجارت کعبه سبب حاصل شود نامورین حکومت متخذه نشود و او را دستگیر
جس نموده و فرار کرده و استطاعت از او برای نقدی گرفته را نمایند
اروپائی شاربها را بدینجهت که مردم منعی از شرب قانون نیست
که بر خلاف حکم قانون کسی را در کتاب این عمل مشروع آزاد باشند و
بسیخ نمی برآیند باشد و بعضی در خانه خود میانی اگر در تکب شرب در خانه خود
و با از در با کعبه آرد آمد و دستگیر نموده و شکنجه کند بنده نموده را از حیرت

هم بکنند هیچ از غلام نمیرود و نخستین فرد که بیعت ایران رفت
پروم همسند ز زبان نماند انتم در کاشف از خانه ما که چند ساعت از شرب
با تر جسان خود و بکنند آدم ما که هم رخصت منزل و آن در عرض با هم در شب
یک طاقی چهاره را از آنجا پایشن یک جریل بنده و در گرفته اند و در سفر
و یک پای او چه بنده و این چهاره عزیزان و جوانان سکن شخصی سر خود را از حیره
اطاق میروند و در حقی زود از چه بنده در آن ساد با آن مظلوم چهاره بنده
کهنک خود دوباره بنا نموده بزودن من نزدیک رقم که با نام نکس که در آن
اطاق نشسته است مطلب چیست نزدیک که شدم دوباره آن شخص می آید
و در چه میروند نموده از چه بنده زودن منخ نموده شخصی گفت باز برای زود
نموده و در میان بهنگام در میان طاق نشسته نفر نشسته و در متصل خبری یکسان
بسته میبندند من از زبان خود سوال نمودم این چه بنده است
و مطلب چیست این جوان که چه میخورد و تحقیقش چیست آن شخص که در طاق
کیست نامش چیست با این جوان چه کلام میگردد و تر جسان گفت این
شده خورده و دستگیر نموده اند و سبب همان جرم تر جان از او خواهند او
کم سبب و قانع نمی شوند حکم کرد در شرب کسی را زخم زده و با ناموس کسی تجاوز
نموده گفت خیر حکم پس در آن سبب است و تر جان خواهند حکم در ایران کس
شده کعبه از او تر جان بگیرند حکم آن شخص که در طاق نشسته است کیست گفت
پرسید من می دارم و چه میست گفت خدا بد شرب حکم چه جواب داد و شرب
که حکم شارب را با و به جمع مسلمانان و کسان نیست با شرب و اگر حکم در بین ما
که این چهاره را چه بنده است بهت شارب فردن پس چگونه عمل حکومت
خود حکم تجسس مشغول است عایت و کارهای ایران بهرج و مرج است (اد اینست
یاد کار است) او در دم ایران مظلوم چهاره میسازد آردیم این حدود آید
ظاهر یکسال در عمل راسته از تر جان آجاری نموده و باید سه مقابل شارب را با
به همین قیاسها که در تاسه هزار تومان را عاید دولت نماید زیرا خود مصارف
الحسابه دارد و بقدر دست تغیر از آن پس در دو را بعد که هر یکی خارج
دارد این چهاره که چه میخورد و اگر چه خجسته ترک بار و چه به چاه ترک
دیگر باید با سبب اینها را دارد به به تا شربش و از روی شرب حکم قانون است
بهین است گفت خیر در قانون اسلام ارادت بر کس ثابت شد شرب
کردن و در رد اول دوم قاعده که فی حدی باه شارب از این حکم
شرب نموده حکومت شرب در حق سبب شارب است که هر که از شارب
در ایران حکم قانون شرب است

ایرانی در اینصورتی باشد که بکدام وجه آن سخن برانید و بنده متبالم
مناخبت مستوری نداید لکنه اوجه نیست از شما تمام سلیم تکلیف نیست
برای این که بکنند از قیامت محروم بگردند

در پالی حال که شما افاضت دارید در مقام چاره جویی حیا به بنده است
بیدارم سینه و در بیخ دارم ملی مطالب تابدی کافه نقش نمید و تقیه نیست که

ایرانی حاضر هم جهت نگارش
اروپائی آرزو دارید باینکه باب متقابل ایمان چیست چه نموده اند تا اینجه
میشرفت داده اند

ایرانی آرزویم همین است
اروپائی بزرگان اروپا فایده سلطین با علم و دانش آن پل برده اند که یک
فلسفه نیستند تمام امور کشور را از سیاست و لشکری و ادواری و دولتی

و امور و مسائل جوابیاد و در دوزخ یک مسافر تجارت صنایع و غیره
ریسکی نموده اند از آن میان آب ترقی دولت و ملت و وطن را انتخاب نماید
هر گاه یک نفر خدایت به جایی این امور رسیدگی نماید عموماً با ابرو و اخلاص

بترخواهد شد پس امورات را از روی علم و تجربه تقسیم سخن با شاه در عهد که
فسوده است در وقت نگارشتن موازنه دولتیک سیاست دولتی پیش

خیال و احکامات آنرا در کار بردن تا باینکه در سلطنت تدارک ایازم در مباحث
و انضباط و در فتنه هم آوردن لکنه جدید و دهات با ایازم از اخلاص نظام
جسیع و ایدر وقتی را از غارت بیدار و خیزد و لشکری با سایر ادواری که شرح

در اینجا بیفایده است پس امورات و مسائل و مازات و احکامات ترقی
و بیدار و تعمیر و تقسیم علوم و صنایع غیره را در محل بوزارات مستطاعه بفرستند

و چون در وقت نخستین چیزی که اسباب انحال بلکه مورد تمام نمودن دولت کل است
فصل شرح کرده اند از نشاسته طریق این عادت جاریه بفرستد که در از انهم

هر چه از برای فتنه زوای فتنه و منعمیت او را موقوف بوجایت مواد دولتی
اولاً تکلیف نامورین جسته دولت از کشوری و لشکری (دانیال) است که بجهت

اینکه خیال مشینیه دینه رزیده حاصل نشود از برای لازم ضرورتی جمیع نامورین و تمام
سلطنت از بزرگ کوچک نامورین کلی لشکری یک اصول بطنی تمام و اعتبار

تا که بصیافت و چارند و باین مرض مرض غانه بزند آرزو بشود و آن است
در تحت یک قانون جدی عوم را از تلف و اسراف بازدارد که شرعاً و عقلاً منع است

منع کوشه نموده اند تا البتة زمین احوال و شلین (دانیال) حدودی از برای
و تشیفات نامورین قرار داده اند که هیچک از روی خود تجاویز نمی تواند (دانیال)

فد برای کارهای کشوری و لشکری سیاسی برقیتهای یا داده ام تدارک نموده اند

برای مردمان بی دانش و تربیت پایبالی اطلاع کار پیدا نماید که یک صحبت
انحسول دولت وقت از است بجز (دانیال) در ضرورت و مقام از برای آن
باینجه مسائل برقرار نموده اند (ساردا) از برای رهبری و تشریح مسدلی سختی نیست
که در آن آشنا بر ایکنند

جهت احکام ملک وقت دولت و آسودگی ملت پنج چیز لازم است (نخستین)
کاملاً اساس حکمت مسامحه و عواطف و جهت پادشاه (دومین)

اقدامات تمادیه و کمالی دولت در اجبه ای تحقیقات ناموریت خودشان
(سومین) اهتمام در حسن اجرای وظایف ناموریت نامورین که بطرف ملک

فرستاده میشوند (چهارمین) اتفاق علماء و معتبرین ملت با مومنین صداقت همیشه
که مضمین خدمت دولت و آسایش ترقی حیت و اخلاق حقوق ملت و احکام

مستوری ندارند (پنجمین) تعیین و اخلاق وضع قوانین متدین شرح و نشان بطرف
ساده و عوام فهم تا عوم رعایا بر تکالیف خود بصیرت و واقف باشند

اروپائی دولت مستقلاً اروپا مجلسی چند دارند که احکام و کاری از برای سر ببردند
(۱) سناتور (۲) مجلس خاص (۳) کابینه (۴) خارجه (۵) عریضه (۶)

بحسبیه (۷) ایاله (۸) تجارت (۹) بطیبه (۱۰) نافه (۱۱) مسافر
تلاطمه هر چند من خود از اهل اروپا هم ولی آرزوی افاضت بود شناخت از یاد

آوری این مطلب خود داری نیست تمام که دولت آید بجز در وضع اداره و کلی و تکلیف
حکومت و امور لشکری و تشکیل اردو و سوق الجیش در قوانین دیگر از اروپائی آینه

کنند هیچ چیزی توانستند قبول قانون نامورین دولت علیه غنائی را نیست
و بیل نماید و هر چه یک قبول نماید هر چه در زیر قانونی که از آنها گرفته شده آن

عالم بر نجات آن قانون چنان دانند که جایی اینها هیچ مقاصد مناسبه خود را بهمان
قانون تطبیق و اجبه نمایند و آن دولت را مناسلی نمایند چنانچه دولت علیه

غنائی را نموده رعایای او را بیکم قانون برادر شایسته و بصیانت و احکام
اراد بیکم قانون تصاحب نموده ثروت او را بیکم قانون نموده حال که بفرستد بیکم

قانون اطلاع و اقد است کار از کار که شایسته است که قانون را از باب نیست
حکومت بر پیش صد نموده چار همیشه و اروپائی هم نمی توانست شکی ندارد

کشما قانون نماید ایران شناختار بعضی نموده و زات آزاد است قانون
متدین شرح بهترین قانونهاست این مطلب در نامورین آنچه عرض نمودیم

و در شرح فخری در بیان مجلس فق عرض پس از آن در جمع مجلس است
سند مجلس است که بوسیله و آن با و نامورین و فرزند سلطان و یکی با آن پس
از کردن نمی تواند و این سناتور جارات اینها بدایه است (دانیال)

(سبکداری علیحضرت شاهنشاهی)

بنده خدای تعالی در این روزهای من باب سبکداری حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در وقتیکه در آنجا
 بود و با تمام فرسائی و فانیه سابق برین سبک تمام اخبارات فرنگ این عنوان را
 در صبح بخت و همت و بهاره اخبار من المین تر و در ابتدا کرده بخت این وقت هم
 سبکداری آنرا مثل سابق بی اسطرینت اگر این سبکداری بر بد الله و در
 جسدان این عنوان موضوع بحث میشود و قایم نگارنده با اطلاع میداند
 در این وقت که این سبکداری در وقت سبکداری که این موضوع میبودند
 در وقت سبکداری قایم نگارنده این اطلاع خود را در این موضوع یاد کرده
 است

(استحضار حضرت عظیم)

بدر بخت نگارنده که در این وقت رسیده حضرت اشرف آقا میرزا علی خان امین الدوله
 صدر عظم دولت علیه ایران از سبکداری استعاضه مرده اند حضرت مستطاب
 اجل اکرم انجم حاجی آقا میرزا حسن خان شیرالدوله در زیر امر خارج دولت علیه
 ایران در انتحاب سبکداری است

(تسلی و دولت علیه عثمانیه)

اخبارات انگلیسی از تلگرافات در تبریز است میسر شده که دولت علیه عثمانی
 شروع در تسلی نمودن مائینه آن تلگرافات از ترس زردی تسلیم هم
 تدبیر نمودیم بودیم که در این هفته قایم نگارنده سبکداری من المین با و در اطلاع
 داده و اخبارات ترکی و عربی هم مطلق اند دولت علیه عثمانی اول قبل از فصل
 کان سبکداری شد و در تسلیه تسلی نخواهد نمود ولی با ترکی چهار لیون لیره بخت
 جنگ را دولت ایران چهار صد قسط بندی نموده است که یک لیون لیره
 پانزده لیون و یک لیون و یک نیم با و بعد از آن و قسط سوم را یک و نیم با و
 از قسط دوم قسط چهارم را بصد از تسلیه تسلی و این سبکداری هم سابق برین
 دول میمانی تصدیق نموده اند که تسلی تمام بار گشت همچنان نخواهد بود بعضی از
 مقامات ضروری آن دولت عثمانی رجوع خواهد بود دول عظام ساحلی که دولت
 عثمانی پس از وصول نمودن قسط اول تا وان جنگ تسلی را تسلی نماید و حال
 عثمانی را این سبکداری داده اند قبول اخبارات ترکی اگر دول عظام قبل از
 وصول شدن تمام تا وان جنگ و قسط کامل گریست بخت دولت عثمانی علی
 بر تسلیه تسلی شایسته میماند و بهجت

(اصفهان)

از خطی که تازه از اصفهان رسیده معلوم میشود که آلی اصفهان مردود و در
 سبکداری با و خصوصاً آرزو داده که سبکداری محمد باقر علیه السلام حاجی سید ۳۳

قدس سره و انجمنیات عالیات طلب نمود که سبکداری سید در وقتیکه تازه در
 در جناب شریف دار آقا حاجی سید مجتهد کرام ایشان بر سبکداری من
 میری بشخصه نیستند تا سبکداری در وقت سبکداری

(جبل المین)

پروا نیست که در میان مردم محمد باقر علیه السلام حاجی سید ۳۳ الله قدس سره در
 در چشم مردم فایده ای سبکداری است تا در این روز شرافت را بر نوبت شریف
 الحق با و در بزرگ مردم سید حاجی سید ۳۳ الله قدس سره شریف و نزار است که سبک
 مردم سبکداری بسیار که ایشان روح بگردانی این امر لازم است که سبکداری
 نواب اشرف و آقا علی ظل السلطان جناب ملا تاج اهل اکرم آقا علی رکن
 نایب الکودت شاکر که در سبکداری فایده ای با و در بزرگ مردم شریف و نزار
 روحانی ملت اسلام سبکداری فایده ای با و در سبکداری من المین با و در
 اصفهان مردمان سبکداری با و در خصوص عرض اشرف نواب اشرف و آقا
 آقا علی ظل السلطان جناب ملا تاج اهل اکرم آقا علی رکن الکلی شریف و نزار
 که سبکداری این امر است و نیست که نواب اشرف و آقا علی نایب الکودت
 در سبکداری و مردم اهل شریف و نزار خود را صرف خواهند نمود و قایم نگارنده
 جبل المین میسوزید که نواب اشرف و آقا علی ظل السلطان در بطن طلب کرده
 غیر غالب است که بعضی سبکداری همه را با ایشان رجوع نمایند این امر
 نیست و احدی نکار نخواهد کرد که حضرت ظل السلطان نزار را سبکداری با و
 بزرگ اند هم سبکداری بزرگ و اقوام شرور در سبکداری با و در سبکداری
 کنند نام اشرف و آقا علی نیست مفلون است که درین سفر نواب اشرف
 و آقا علی سبکداری بزرگ حرمت شود

(طایفه افریدی)

بسیاری از افریدیها با و در رفته بوده اند از آنجا که با و در رفته
 از او داشته اند که در آن حضرت امیر خاندان آنها در آن وقت در قبول
 اخبارات انگلیسی ازین در - تا یوس کرده اند عاقبت سبکداری خود سعادت
 خواهد کرد که در اهل رای میگوید که آن سبکداری با و در سبکداری
 که رفته اند نائل شده اند سبکداری با و در آنرا که سبکداری با و در
 منت بزرگی با و در سبکداری با و در سبکداری با و در سبکداری با و در
 که در رجال دولت انگلیس با و در سبکداری با و در سبکداری با و در
 روی بگردانی این است که سبکداری با و در سبکداری با و در سبکداری با و در
 انگلیس سبکداری با و در سبکداری با و در سبکداری با و در سبکداری با و در

آنچه در پیش رفت مقاصد خود میکند برخلاف و شی آنگلیس نیست کار
فردا میکند و در شی آنگلیس را هم نگاه میدارند
(مدرسه العلوم علیکده)

آنکس که بعد از دروسم سید احمد خان تمام کلماتی انتظار میدهد در ته العلوم علیکده
نزد منشی با بکتری بودن سید محمود بیچ فرزند سر سید از روی صحبت که
سید احمد خان فرستگارند و در بنیاد ان متریک بر بنی دو ستار نواب
حسن الملک اند و بنسبت کار ارفع این کار شده بی اگر نواب حسن الملک بزاهد
کمال هورت ارفع این فاکور را غایب امید است که نواب حسن الملک ریخته است
نوی پسین بنامه پیش ایگر نواب حسن الملک به دروم سر سید احمد خان بود اگر کنگار
متر سید محمود بنسبت سید احمد خان فیصله فرشته سرکای انتظاری در ته العلوم علیکده
فرستگارند که در ته العلوم را در بنیاد ان متریک با اختلافات عالیه در کنگار
که در ارفع اختلاف را غایب من بعد درین امر که شش کند البته در کمال حسن
کامیاب خواهد شد حاله قدر و لیاقت سر سید احمد خان معلوم میشود میگویند از وی
متریک نیست جهت جتراری در ته العلوم را از طرف متریک قبول کرده بود
بر زفات او فتنه زده که نزدیک است بیمار شود البته اگر مری بین منزل
گذرد و یاد کار داخل فراید و قادی متریک بیمار خواهد شد اگر این متریک
یکی از مسلمانان لایق جمع نماید اعلی است
(تاسف)

که صحبت بزرگ جناب نواب اهل کرم الحاقی منسوب اند که در اول
احرام الله در بیته مردم شاهنشاهی منی محمد شاه فارسی که در حضرت شاهنشاهی
سلطان بود و یازدهم شوال در ایام خاص با تنبیک صحبت شش و صد از اول
علی نفرموده ایمان فانی را در واقع فتنه کرده و باج بگوشش بگریه و الله
خود نهاد آنکه همه زوجه نواب الاجسملی پیرای طاه السلطنه فرزند از جنس
نواب مطالب شرف الامجد الصمد میرزای خالده دروم ای حضرت شاهنشاهی
بودند از پیش فریق رحمت یوش فرموده که بکسب جین با زمانه کان شان
نسب ای حضرت شاهنشاهی نظر بر وجه منوم میسکه با کاران صداقت شمار فرود
یکه موقع مورد و از به جهت تسلی خاطر آقای متریک الله که در میرون آورد
از خاک شنبه تره کثیری شمس مع تن پوش مبارک که از دفع هزار

دولت جاوید آیات رحمت فرموده
وای بوقتی که بگردد

از بعضی اشخاص موثق با اداره اطلاع میدهد که یکی از تجار بندر عباس جنم باوری
با طه زنی سرودش با خانه او را در زمین بسیاری از اوقات ابعیت بر ابریه
میسنده از اسباب سرود یک اطلاع هم بوده پس از چندی آن اطلاع رسیده
نزدیکی از اهل کرم میری میزند پس از تحقیق معلوم شد که این اطلاع توسط یکی
از نامورین باوریده و سایر افعال کرده از آن باور هم که این جناب ابعیت
وال بر این افعال قیوم میسند و در باب باورنده که از کرمان بهم باوریده است
از مردمان شهر این وقت که کرده نگارش فرودم اگر متنبه نشود با هم در ستم
او را باور خواهد هم کرده و بنوع مخفی هم کرده او را در طه از پیش کسانیکه
جمله به هم خواهیم داد

(بلوای ایتالیا)

بر حسب نگارش اخبارات آنکه بلوایان ایتالیا خوشی آفند کرده اند
و ملکت امین به سنوز قانون جنگ را ایتالیا جاری است با مورین دولت
پرسش میکند که کوشش میشود که اخبارات خارج نشود دولت ایتالیا این بلوای
از آینه و اشاره رود و عالی سید چه چاره در مقصد بلوایان را که گرفته اند
آنها از پیشان رهیبانان بوده اند درین بلوایان قصد نگر از سار و پیاده
دولت قتل رسیده و در هزار نفر هم محصور شده اند از رعایا چه قدر کوشش
بمقتل کرده اند معلوم نیست خساره مالی منی اموالی که درین بلوایان
تعب و از این چهل لیون تخمین نموده اند دولت ایتالیا درین بلوایان
که در عوم رعایا از قانون عالیه سلطنت راضی نیستند و در نخست که باورنده

دفعه کمالی در این امر است که در این اخبار است که در این اخبار است که در این اخبار است

برآید و اگر این برای علم و ریاضی از دول آسیا و مالک است و به جهت
فنیک با کتون و لور در عالم نهفته بوده از آن زبانی که دولت مسیحا
بهتدیه تهنیه و هیبت که تهنیه سلطان میگویند بهتدیه چاره بجز نکوت
(انتقا و مجلس کشیشان در آمریکا)

خدا اینورک (یکی از انبیا) است و کافران است و سید پادری (ادیب)
دین تمام کشیشان آمریکا است و به جهت ماهی انگلیسی برسم مقترعه خود که هر
سال کاغذش بی خود و سوزانده ترقیات روحانیه مذموب میباشند و در طی
توقی آن بخت می نرود، انتقا و کافران نرود و تهنیه از بهتدیه شش نفر
از روسای روحانی صورتی در آن کافران نرود و بهتدیه اما باقی آنها بخت
نزد نظر اینجاست چهارهوش بخت در مخالفت اسلامیان بوده و رویه
کار و ادبی مجالس خود را در سراسر خصوصی طبع نرود و بهتدیه کشیشان بیکه در بلاد
عاری و دولت بر روی دین سنی شوالی نه بفرستند اخبار خود که موضوع بخت
بای آنها گرفته و شمار آن سنان است و نگاشته است آنچه اربع ممالک
و مالک است و بهتدیه بود اختصارش بموجب ذیل

خداوند تبارک و تعالی حضرت مسیح را فرستاد که مردم را از ظلمات جهالت
و امورات یعنی دینی و دنیوی آنها را اصلاح نماید و از غیبت که دین او را اول
ادیان بر سر داده و بلکه او را بلند کرده ملت او را اعظم نموده است پس
چون یک از امت مسیح خصوص رومی رومانی لازم است که بر روی مسیح
خود را کرده و بهتدیه سید توانند مردم را باین بجهت مقدس کشیده اصلاح
دینی و اخلاقی آنها را بنمایند

امروز روز دولت بزرگ که بهتدیه آنها را احاطه کرده مانع از ترقی
و تدنی عالم اندیشه بستی است و بگری اسلامیانی ملی حقه بزرگ است پستان
در بهتدیه زمین اندیشه که در تحت سلطنت میباشند آمده امید است تا بعد از
تمدن شود زمین مسیح و تقسیم دول نصاری نه متفق بر یکدیگر اصلی آنها را
شده و تمدن و تهنیه خواهند آموخت سائر ممالکات افریقا و غیره آسان است
چونیه که مانع بزرگ انسانیت تهنیه و ریخالم است و دشت جهالت را
در عالم فشرده کرده و مانع هرگونه تهنیه و شایستگی است چنانچه اسلام است
گویا در سیر اسلامان جهالت و تعصب و دشت برشته اند چون مسلمانان در
عالم فشرده دشت تعصب با هم در عالم منتشر کرده اند و این دشت تعصب
امروزه نیست تسلیم اسلام است این ایام در اسلام قدرت آنها کم فریب
جهت های خود را در زمین نرود مانع ترویج ابتدای اسلام تا در سه قرن قبل گذشت

که در مسیح از بهتدیه است که چه که عظم و تعدی از اسلام را برنگون خدا سیر
مال مسیح و تهنیه که مسلمانان را از نصاری باقی مانده است همان و تهنیه را از
برین تهنیه چنانچه در ارمنستان و کورستان و در ایران بملل جاریه از اسلام شده و شود
باینکه تمدن و هیبت پادشاهان نصاری را مانع عظم و تمام آنها قرار داده و در
چین صفات و بزرگی اسلام تعلیم آنها تهنیه خداوند آنها را از اول کرده است

این ایام باز مسلمانان در صدد ترقی خود برآمده میان خود با اختلافات و برتری
نخواهند رفع نماید و بکسل المیتن حقایق قوت گرفته باز دشت جهالت را در
عالم ترقی دهند چنانچه از دو سال پیش مسیح میانه و دشت بزرگ اسلام است
رضی اتفاق کلی شده و در سلطنت بزرگ اسلام ایران عثمانی در صدد اتحاد
با یکدیگر و قائم نمودن اتحاد مثل آذربایجان میباشند قرائن هم در کامیالی آنها
ظاهر است و اکنون در مسیح تمامی اتحاد دولت ایران عثمانی مثل این
زمان بوده و این قسم تهنیه یعنی بهتدیه شش تهنیه است مقصود کلی این قوم در
ترقیات ترقی تهنیه تمدن نیست بلکه از دیه قوت و دولت و هیبت است
که تهنیه هیبت اشاعت آن را مانع شود از مردم از راهی ظلمات و
اندازه و بهتدیه تعصب در عالم تهنیه چنانچه در اسلام تهنیه بزرگ کرده

اگر چه بار و دعایت خدا داده و بهتدیه ترقیات روزی آن قوت دول سنی
جهت با کامیالی اسلامیان خود و سجاد شمار است چه اگر مسلمانان در صدد ترقی
و اتحاد هم کار برآیند تا صد سال دیگر باید خود داری نماند تا بعد از آن تهنیه
بدرمان بر دست و درین مدت سیحان تهنیه ترقی خواهند کرد که باز مسلمانان
صد سال دیگر عقب خواهند بود ولی لائق امور را درین قبل از عهدش و تهنیه

در علم بزرگ کشیدن کار خلاص است
این امر لازم میان هیبت که ترقی و هیبت ترقی جهالت و دشت است
و ترقی جهالت و دشت تهنیه علم است که تهنیه و بهتدیه هیبت بلکه
ازضا طر نه انیت است بر شریس جهالت و دشت ترقی قوت آن در سائر
دول دولت اسلام که نرود دولت تهنیه باشد معدوم شدن جهالت و دشت
جنوطیه و در است اول تهنیه هیبت کتاب اسلام یعنی قرآن که عظم جهالت
و دشت است این از نهایت تهنیه است یعنی با بودن در نیست بجز از
اسلام که در این حافظ قانون اسلامیت است چنانچه این بزرگ یک امر است
که رقابت مسلمانان هیبت باشد و یک اگر اگر ملامت و اشکار و دشت و هیبت
از تهنیه تهنیه تمدن یعنی قرائت و دولت اسلام که شش و دهن هیبت

مفوس در دو روز وقت

پس باید در دو روز که پیش کرده و تا زنده وقت آن مواج بزرگ غلبه بر او نم آید
در ضمن این دو دولت اسلام نمایندار اختلاف میسازد اسلامیان خصوص
سنتی و شیعه را راه کوشش از این دست را باشد (باقی دارد)

(اخبارات تلگرافی خارجه)

یکی از جبهات امریکه اخذ زمین بندر (سایگو) شد جبهات سوئیک دریایی
(تاریخ دی) اسپانیای فریق کرده تا سرالمر اسپانیایم را در شیک
نموده چهارمی فسه سازه امالی چهار سووق را از فرق نجات داد این عمل نام
بر یکی بدولت اسپانیایانده امالی امریکاهم اظهار شکر گذاری کرده در عرض
پاسدی اسپانیایان اظهار مبر روی نموده اند

در ششم جون خبر رسید که امر در صبح پنجم از قون امریکه در ساحل متصل اسپانیا
نیکو فسه و آمده است هزار نفر رعایای باقی ساینکو تا به آن خبر از قون
کرده و خسل ساینکو نموده و جبهات امریکاهم در دریا آتش باری میکرد
در همان روز خبر رسید که در جزایر فیلیپین بجای اسپانیا حکومت امریکه قائم شد
در جزیره ایکوانت (باشندگانش سر بیاضی گری نیا چاه انسران
اسپانیایا گرفتار و هزار هشتصد نفر قون را قید نموده اسلحه خانه اسپانیایا
هم تصرف و آورده اند امالی ایکوانت آماده دسته بلکه قنطران که قون امریکه
بیاید و تصرف شود

باین که در پاپون چند سال زیاد هفت شروع در ساختن راه آهن نموده
با کمال سرعت چهار مهندسیل ساخته اند

در پاپون یکی از اهل هند در کرسنه العلوم و کوشی (توکیون) شریک تعلیم شد
کار کردن در مسعودن زایما آموزد

در شهر (تالیما) که متعلق به پاپون است در کرسنه بحری با یکی قائم شده
سال آینده یکصد و سی چهار طبله شرکت در تعلیم این بیکه خواهند کرد
شهرت و حکم تعلیم در پاپون ساعدت که تعداد زیادی از جوانان تعلیم یافته به جهت
علوم تکمیل روزه خدمت کشند

اخبارات انگلیسی که به تازه قصاید که از سفارت روس خنده تها با باالی میشد
که اباب خوش است بعضی از افعال بر اینست که دولت روس مطالبه دیون خود را
ببخش منعی نموده است در این جهت اصل من است صرف امان اخبار نگاران
انگلیسیست که این نگارند

دولت روسین را از تهر حال که کاما قنده نموده اسپانیای کلی حاصل کند و است مکن

که بیسیس چهارمی بدون اجازت حکم دخول درین بندر نذارد که این کردار در فشار
روس برخلاف قول قرار می باشد که در به تصرف بندر از تهر با دول اسپانیا
جستجو دولت چین بندر هنگاگ را که امت اجازه اس کرده بود با رقیب دولت
سپل بدولت انگلیس اجازه داد

والی فیلیپین در نیسیلا فرار کرده دولت جمهوره خود اسپانیایا اطلاع داده است
که بدون تأیید و ابدا و جیده شوکت استیلائی دولت اسپانیایا قائم نخواهد شد
اندر بحران که در مسووبه فرغانه است مردم از روی هوس با مکت

در سبب زمانی روس طراند و آخر آن مر قون پولیس مردم منتشر نموده
در ستمات اسپانیا تخریب نموده اند که شل امریکه اتحاد قائم نمایند دولت تخریب
درین عنوان رای عمومی صادره

جبهات امریکه در کرسنه روز چهارم تبه بر بندر ساینکو حمله نموده شلیک نموده تا
اخر آن بر بندر که در استغرق شده اند اگر اهل ملک با دولت نمیکردند و اسپانیایا را کاما
بدفاع دشمن و گذارنده و اعانه و همی با قون امریکه می نمودند امریکه از این حمله
امالی اسپانیایا متصل نه های خود را در بانک دولتی برده تقدیم کنند این امر خیلی
اسباب خوش حال دولت اسپانیایا شده اگر چندی نیز نماند که دولت اسپانیایا
ضرورتی میشد آید امگ از تأیید امداد آن عاجز خواهد بود تا قنده خود را در عرض
پروا نموده و در قسمت شکست هم شود قنده تمام نوت خود را در
هستند و بعضی از مقامات اسپانیایا اینست قائم شده مردم برخلاف دولت

بسیارند این مراتب بیشتر اسپانیا را در جنگ امریکه از دل بکنند
جستجوین شکست خیزانان وقت درین جنگ نخواهند

دولت اسپانیایا دیون پونده را دره اردو قرض می کند و شوار است فرار از دولت
اسپانیایا نخواهد و در وقت از خارج قرض نماید

دولت امریکه اسن با بیان جنگ ایات جدید که بیایا قائم نموده بود در قبول کرد
دولت چین از خوف برای عمومی مالیات مکانات تیراک امر توقف کرد
چون مخالفت رعایا با دولت یاده مشوره قومی که صیغی خواست مجال نموده اند
دولت اسپانیا سیلین شکست خیزنده از اسپانیا بیست و نهم در ایالت رعایا اهل
ناضی را دارند

در پاریس یکی از فرکار در بازار که الی مسکو رسیده و به سبب خوش میوه آن
شاهنشاهی چین یکی از کشیشان امریکه زبان انگلیسی را تعلیم یافته و به حکم نماینده
در سبب قرض شکست کان و جان من سبب که از اهل امریکه بوده اند آتش زده تمام آنها
مادر کشیده اند کشیشان را فرار باعث ممانعت شد

محمد زمرغان میان بهمن و سلیمان جنگ بسیار سختی شد و شصت پنج نفر مجروح شده تمام بهمن و پنج سلیمان چهل و یک بهمن را کشت در عرضی گرفتار بود و این اختلاف است که اسباب آنست که در آن وقت عین قیامت کند

معرض طاهون در همین احوالی تخفیف یافته درین بهمن روی هر طرفه در دو چهارم طاهون تلف شده و آبیان زده گرفتار شده از دلی به اسطیغی قتل در استوار پیدا شده صحت عمومی بهیچین در آن وقت نیست چه در اموات نسبت بچند سال قبل زیاد است

کراچی هم تخفیف است که بهمن در این ایام زیاد میشد و درین بهمن در دو نده غنیمتیش تلف شده صحت عمومی کراچی از بهمن است از سارا و در اموات کمتر از نسبت بچند سال قبل درین موسم خامر که بیستون گفت بود قدر که در آن وقت در قندهار اموات واقع شده است

زاد حسن الدین باب اختلافات طاهون و ناگ یکصد هزار و پانصد بکرتی تمام نوزده حکومت هم با کمال شکر که از آن قبول کرده است

هتتر قرال که بهمن در آن بالغ است میمانند در هندوستان سیمایش بد هر یک با قوت حکومت بهمن را بنجد و چهار بخیر و از این دولت انگلیس مستقیم نده سال است شایه اختلافات که با هتتر قرال و انگلار شده

چون حال آنکه خشک سالی در کراچی غلظت در بر ریشده و با این حال نیز بر سر غلظت زیاد هم خارج می شده ناچار حکومت حرکت زیادی بر قندهار اندوده که بجهت تدارک صرف نیکو بکار برده است

(رویداد کار و روائی شفاخانه طاعونی در آران)

سابق بر این کار و روایات شفاخانه را نوشته ایم از طرف خط العصه کلکتہ او تا خط شکر ای این کار و روایات ایران در شفاخانه اظهار کرده بود که ما هم در این شفاخانه بهر قسم حاضریم غلظت از طرف حکومت کمال هم با جسدهای این کمیسیون اظهار کرده که در شفاخانه خود غیر شفاخانه است ایران در شفاخانه که مرگت و شفاخانه

همگام ازین کار و روائی نوشته بودند

حافظ العصه کلکتہ خط اجازت تصدیق نامه بجهت این بیمارخانه فرستاد و این لحاظ در بعضی که مکان قابل است

بگفته ای اختلاف بین بیمارخانه اراده دارند که خانه ناشی ایرانیان را خود بنا کنند و نگارنده از قوم خارجی است و ریانت هم در خانه های آنها می باشد

صحت خانه های خود که با امورین حافظ العصه از این خانه ایرا نیست تصویر شیر و کبوتر که صحت موفقت آنهاست طبع کرده که در در خانه های خود نصب است

این استیاضادی شمرض آنها شده و آبیان اموات را از کلکتہ خط العصه فرستاد حاصل فرامند کرد و اگر مریض که از اجزاء ایران با کلکتہ است در بیمارخانه ایرا کلکتہ فرامند شد این کلکتہ اول قریب است که بیمارخانه بجهت خود مریض نوزاد و ادای ارقام دیگر شده و این گونه امتیازات از اهدای از ارقام کلکتہ حاصل کرده

همگام نوزاد کت بخش نام و هم نوزاد کلکتہ بگردد که تمام قوم از جهت صحت و قوم بر روی جانب جلالست تصاب حاجی آقا سید صادق صاحب باقر شتری که با فقره خود و بجهت ساختن بیمارخانه قومی بوده شکله کارخانه ای در کراچی است

اسباب افتاد قوم بهمن و چندی در حق ایرانیان است مانند امروز هم از ساختن مسیح تساعت و از ده کمیسیون عمومی بود و در کار و روائی و اختلافات آن گشت

میشد بخش فارغ از این موضوع است تمام قوم امروز هم با کمال گرم جوشی اظهار همه روی در امرهای و استادگی کرده که در قسمت مالی ایران از برادران خود کرده

خارج بهمن شریک کننده آنچه تخفیف شده و معناس مست آمده است با همی شفاخانه معارف این بیمارخانه است آن با همی چهار صد و پنجاه و پانصد بهمن در حقی با کمال داریم از جهت بلند قوم امید است که این با کمال پر شده و قومی کار این جار سینه

این مثل آسان است اگر ما میخواستیم عاریتی که مناسبت این مثل است اگر یکینم های همه در رویه کفایت نمیکرد این با کران را جانب حاجی آقا سید صادق از روس قوم بدستند خداوند ایشان را توفیق نماید در برین فریق سازی و قوم از باره این صحت بخیر و کمال است

برای کلکتہ در نهایت گریست علی بجهت الله سالها پیش در موسم بیماری کلکتہ بود اسباب برای نام طاهون که پیشتر هم مسیح بیماری نیست هم در بهمن در شفاخانه

عوز کارکنی و ذکر چند دیگر نمیشاید اگر هم گریه سید بر این نوزاد در می خواهد تمام حساب کارخانه را با صحت و شفاخانه است اما مرض طاهون بهمن هم گریه ای بر اینست که این فریق کلکتہ نیست علی عنوان اگر بعضی از نوزاد یکی در گرفتار شده تا کنون و با کمال است کلکتہ

بمرض در کلکتہ سید از شفاخانه و غیر شفاخانه خود بخیر گرفتار و معناس و چنان فرقی شده از شفاخانه کلکتہ با تشخیص این مرض را نمیشد هر کس که بپسندد او را تصور طاهون نماینده خوف و مریضین طاهون کشته بسیاری از نمایان میس و طاهون خود را میگویند طاهون بزرگتر از کرون مثل شفاخانه است پای همه مردم بند است تجارت نیست و با بد شفاخانه

همه خانه گوده و کمر بود کاش یک فکر و فکر کشته آنها هم در جناح قرار داد